|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **نام و نام خانوادگی:****رشته:****www.elmgram.ir** | **بسمه تعالی****مهر آموزشگاه** | **امتحان نگارش 1****زمان امتحان:****ساعت امتحان:****تعداد صفحات:** |
| **نمره** | **سوالات** | **ردیف** |
| **بازشناسی (2 نمره)** |
|  | **به سوالات زیر پاسخ صحیح و غلط دهید؟****الف) مقایسه کردن یک موضوع با موضوع دیگر، در حقیقت نوعی پیوند زدن موضوعات است؛ موضوع هایی به ظاهر بی ربط اما در حقیقت مرتبط با هم.****ب) گزارش یکی از قالب های پر کاربرد نوشتن است که رخدادهای واقعی را بر بنیاد حواس ظاهر بیان می کند.****ج) دربارش فکری به ذهن ما امکان می دهد که خود را در پهنه وسیعی از مفاهیم و موضوعات ببینم و آسان تر به پرستش و انتخاب بپردازیم.****د) در نوشته های ذهنی، گستره ی ذهن، خیال نویسنده کاملا آزاد و رهاست و او از زمینه ی حس های ظاهری فراتر می رود و در آسمان ذهن و خیال گام بر می دارد.** | **1** |
| **تولید متن (14 نمره)** |
|  | **مقدمه 1 نمره – پرورش موضوع یا شیوه بیان نوشته 9 نمره – نتیجه 1 نمره – رعایت نشانه های نگارشی 1 نمره – املای واژگان و نداشتن غلط املایی (2 نمره)****موضوعات**1. **به شیوه جانشین سازی یک موضوع آزاد**
2. **کرونا ویروس برای جهانی که در آن زندگی می کنیم چه پیامی دارد؟**
3. **گزارشی از یک اردو**
4. **بهترین خاطره ای که با معلمان خود دارید**
5. **چرا باید قدر فرصت را دانست؟**
6. **اگر کنش های بالدار داشتم به کجاها سفر می کردم**
7. **تاثیر توکل و ایمان به خدا در زندگی ما**
8. **نتیجه مشورت با انسان های نیک اندیش و کاردان چیست؟**
9. **آینده خود را چگونه تصور می کنید.**
10. **موضوع آزاد**
 | **2** |
| **1** | **شعر زیر را بخوانید و درک و دریافت خود را بنویسید؟****قطره ی علم است اندر جان من وارهانش از هوی و زخاک تن قطره** | **3** |
| **5/1** | **از دو مثل زیر یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.****الف)دل که پاک است، زبان بی باک است.****ب) تو نیکی می کن و در دجله انداز** | **4** |
| **5/1** | **حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.****شخصی را قرض بسیار برآمده بود. او را به نزدیک کریمی نشان دادند. درباز او را بازیافت که به درمی معامله می کرد و به حبه ای مکاس (چانه زدن) می کرد؛ بازگشت.****تو را که این همه گفت است و گوی بر درمی** **چگونه از تو توقع کند کسی کرمی****خواجه دانست که به کاری آمده است؛ در عقب وی برفت و گفت: «به چه کار آمده ای؟» گفت: «بر آنچه آمده بودم بی فایده بود!» به غلام اشارت کرد؛ صُرّه ای (کیسه) هزار دینار به وی داد. مرد را عجب آمد؛ گفت: «آن چه بود و این چه؟» گفت:«آن معاملت و این مردت؛ اهمال آن بی مردونست است و اهمال این، دور از فتوت.»****(مهلت دادن) معنی (فرو گذاشتن) چیزی را بخود** | **5** |